

فراتر

مباحث اساسی و اجتماعی

آونام بشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ ونبات

وجه اشتراك

برای مجله‌ها - کارگران - وادعاه انجمنیه‌ها - نومان

نوبت اعلامات و مقالات خصوصی

باز دفتر اداره است

مناسبت از یک عید نوروز

عید نوروز

ی باشد

مجلسیان تصویب کرده و شاه
اعضاء نموده .

تقریباً در روز پیر و درین مناسبت
از عنوانی چهارم روز در روز پنجشنبه
بر سرور سبزه زاری بخت زدن بر
آمد و در بروی خورشید بنامست . گوهر

های گرانمایه و تکرار از اشعه شمس
آفتابك شده و شهریار مانند يك قطعه
فیروزان در آن میانی درج شده .
اولین عیدای بود بختیم تهرلك شمشاد

شید اشد و بلندند زبان بهلوی روشن
درخشان معنی میدهد . از آفتاب خبر
فوق الدكر بجهت مذهب گشت .
جهت اسرار داد نوروز را در هر سال

بعد از ماههای سال ۱۲ روز جشن گرفته
و عیدای ایران در هر سال در هر سال
باد گوشت و در ۱۳ بگشت و صحرارفته
و از ۱۴ بر درین بگشت مشغول شوند

جشن در آن دوارده روز هر منصرف
یا زندانی را بخیرایش اهالی عفو و آزاد
می ساخت . افسوس يك چنین عید برای
از حقوق ملت ایران سلب شده .

ژم (جم) زبان بهلوی - اطمان را
گویند . منوچهر پادشاه - آسانی برای
رسیدن باحوال اهالی ایران و سیر منگ
خوش و درمیکه سوم به سمر بر داشته
و اواخر زمستان بازار آبادگان رسیده
در آنجا مجلسی زدن باریان و وزرا و
منجهین تشکیل داده و گفت میخواهد
جشن سالانه برای کشور ایران که مربوط
بادیان مال باشد رسماً برقرار سازد .
تا همه اهالی مملکت ایران هر سال در
نوروز عید کنند .

ستاره شناسان اول پروردین
را (۲۲ مارس) چون روز آفتاب
به نقطه حمل ، برابری شب و روز ،
گذشتن زمستان و تجدید حیات زمین
باشمارد کرده و گفته اند : وقتی خدا زمین
را آفرید ، در روزی که آفتاب پیر است
و همچنین آدم با او بشیرداد آغاز بهار به
گفتی فرستاده . البته يك چنین روزی
نه متما برای ایرانیان و بلکه برای اهل
عالم مقدس است و شایسته تجدید سال
جهاث و شادمانی جهانیان

صفحه ۲۹

فراش حکومت (باستانی) برای ملی وارد شده خطاب به دکتر
ای قای دکتر این قران ملی آمده بحکومت ماضی شده اکبر پیرش را
شما آوردید بنگاهها شده اید مرا فرستاد . اید با پیر ار را بدید و این که
خودتان بیاید جواب بگوئید
دکتر - (اند از قدری فکر) حیف از این امر که نو پدر او هستی
افسوس از این پیر اگر تا سال دیگر نزد من بود يك دكتور حساس
می شد
قرابت علی - سمت هیچی خواهم کرد بشود قران ملی میگویدش دکتر
است میخواهم که بر بشود
بچه کنده - ای داد دیداد بیچاره من بد بخت من که این من
نوشتن است
دکتر - اما دیگر دكتور نخواهد شد افسوس افسوس
قران ملی - ای بچمتم افسوسه دكتور نمی شود من که دكتور نبودم از
گرمی مردم
دکتر - بسیار خوب اگر میخواهد به برودش
قران ملی - شما يك احوال ما شوم از او گرفته اید شاید من
الان يك مرد محترمی را میخواهم و آید نامه را بشنخ کید
دکتر - با این صفت شب مردم محترم را از کجا خبر کنم شاید
قران ملی - شما باید صفتش را بگوئید ، اما مشب خوانده شود

جشن نوروز زمانه درفش ۳ ريك
مادر واری شیر خورشید از لایم رسمی
بالتا شماره اید .

از اهالی ایران مسلمانان و زرتشتیان
عید مزبور را با شیرینی و کباب و لباس
وین شادمانه بجلال پذیرائی میکنند .
و دیگر ایرانیان از سبزی و کباب
[که بی شک در قدیم شرکت داشته]
خوشتن را بر کنار گذاشته اند .

شاید می پندارند و نوروز عید مذهبی
مسلمین و یازده شقیان است ! اگر چنین
بودی زرتشتی و یا شمس اهل اسلامیه عید
میگرفت در صورتیکه می پندارند در اسلامك
ایلامی باشد عیدای از نوروز آزادی است
و در هندوستان فقط پارسیان که اجداد
آنان در شگفت بر دگرد و فتح عمر از
ایران مهاجرت کرده ، این تنها یادگار
پدران و اجداد خویش را حفظ و نوروز

را جشن میگیرند آری در روز ۲۲
همیشه از این روز تجدید بشود .
عید سبزه و روز تیر و داس و بولك
سلام بگیرند .

در این جانی شود بی سرزنش نا
گفته گذارد که يك عده از اهالی ولایات
ایران هنوز از جشن مشروطیت بی خبر و
بغواب غفلت اندرند منتها طهران در
این عید کامرانی میکنند . بعضی از عمال
حکومت مشروطه ایران در پاداشتن
این جشن کونای میورزند و هیچ کس
بلکه تاکنون بودجه آرا بمجلس شورای
ملی پیشنهاد نگردیده است . شاید از
آئینه تاکنون هیچيك از سفراء و
قوت و لهای ایران هم این روز را در
خارج عید نکرده اند

بر ذره نوبت گذار و بد ایران جراید
و قانین احزاب است که با گفتن و نوشتن
جشن انقلاب ایران را از دستار داشته
با تمام اهالی ایران در هر يك اجامادی
الاخر قلیل و چر اغانی نموده و بیرون
سیر و سفید و سرخش را باغتر از در
آورد و عید کنند .
(کی) (سوان کیلانی)

ما از عموم مطالعین و متفکرین منظریم که
این موقع جشن دارند . آیا برای آن

انسانهای مملکت خورشیدی ، که خوشتن
را از این جشن بهاری تازه شدن دنیای
ایبی بر کنار میگیرند . سر شکسته کی
نیست ؟

ما يك عید دیگر مانند نوروز داریم
آورد نیست که کاخ استبداد از آتش
عضب ملت ایران خاکستر شده و زیر
های ظلم بقوت با زوی اهالی مملکت
قطعه قطعه گشته و آفتاب آزادی در ۱۴
جمادی الاخر از آسمان بهار رستان جا
سلام داد . این عید مانند جشن ۱۴
ژویه فرانسه ها و مثل ۷ آکتبر انقلاب کبیر
روس مقدس است .

هر فرانسوی خواه از هر ملت
باشد در ۱۴ ژویه اگر فرسك از مملکت
خود دور باشد ساز جشن را بخواند مارسیر
گوگ و چیرکی آروز را از نظر خویش
دفینه داده و عید میکند . هر اهل مملکت

روم و ایران و هند و چین و روسیه
و آلمان و انگلستان و آمریکا و ایرلند
بوسیده و روز تیر و داس و بولك
سلام بگیرند .

در این جانی شود بی سرزنش نا
گفته گذارد که يك عده از اهالی ولایات
ایران هنوز از جشن مشروطیت بی خبر و
بغواب غفلت اندرند منتها طهران در
این عید کامرانی میکنند . بعضی از عمال
حکومت مشروطه ایران در پاداشتن
این جشن کونای میورزند و هیچ کس
بلکه تاکنون بودجه آرا بمجلس شورای
ملی پیشنهاد نگردیده است . شاید از
آئینه تاکنون هیچيك از سفراء و
قوت و لهای ایران هم این روز را در
خارج عید نکرده اند

بر ذره نوبت گذار و بد ایران جراید
و قانین احزاب است که با گفتن و نوشتن
جشن انقلاب ایران را از دستار داشته
با تمام اهالی ایران در هر يك اجامادی
الاخر قلیل و چر اغانی نموده و بیرون
سیر و سفید و سرخش را باغتر از در
آورد و عید کنند .
(کی) (سوان کیلانی)

ما از عموم مطالعین و متفکرین منظریم که
این موقع جشن دارند . آیا برای آن

در این ایام نزدیک عید عقاید و آراء
خود را زاجع به نوروز نگاه داشته و
صفحات جرفته مرگ را با ذکر زایای
این عید مهم مزین نمایند

قرن بیستم

روزنامه نویسی

روزنامه نویسی مایه خیر ن دل است
خصوصاً برای من
باید دیده امید بعضی از مردم را که
متاهل شده و در نتیجه عیال بار گردیده
اند وقتی بدوستان شیمی درد دل میکنند
با نهایت آثار اظهار میدارند .
خوشا حال آن امید که بی بیته اهل و
عیال نشده بودیم و خود را گرفتار این
درد سر لا علاج نموده بودیم
در خانه پدر بودیم نه غم نان داشتیم نه
غم لباس نه می شنیدیم بابا گش ندارم
لباس دریده کلام گفته شده و نه میدیدم
که سبب ده فقر دهشان باز است و لقمه
مخمر انداختن

روزنامه هزار دردس دارد گه یکی
از آنها اصراف منگت طبعه و کاغذ است
(تقریباً شماره جهل درمان)
من خودم قبل از آنکه شروع به نوشتن
این روزنامه را از مدیران محترم مراند
عشور بودم و از آنها می شنیدم که روزنامه
نویسی مایه خیر ن دل است ولی انطوریکه
باید نمی فهمیدم کجی دل آنها میسوزد که
این حرف را می زنند
ولی حالا :

اولا يك قلم هرچه روزنامه نویسی می
نیام بحال اتمارت میگویم سابقه بعضی از
اشخاص مستحق دیده میشد که يك ورقه
استشهادی از مجله در دست دارند که این
شخص مستحق است باو ترحم کثیر
حالا روزنامه را که می بینم همان
ورقه استشهاد استجافی در نظر جلوه نمیناید
تا روزنامه را می بینم پیشی بخود میگویم
تشر این ورقه مستحق است هر کس باو
ترحم نماید ثواب دارد روزنامه نویسی
در ایران !!

عجب مالیات خوبانی !!
روزنامه را باید با مقالات علمی و فنی
زیست داد این در ایران ممکن نیست چه که
کثر مردمی هستند که عالم و متجدد باشند
تازه وقتی این قیل اشخاص یافت بشود وقت
و بجای حاضر نیستند که اطلاعات و نتیجه
زحمات چندین ساله خود را تعلیم تجزایی
نمایند که وقتی هم تگراتات آنها چاپ شد
نقد آنرا خواند

سرتاپا مملو و مملوهای گفته غیر
خوانایک بیداد است يك صفحه را چاپ
نگرداند یا فک صفحات لایحه را پس و پیشی

جید آمد بطوریکه از آن لایحه همه چیز آمده و میشود چنان جزئی که نویسنده در نظر گرفته گذشته از این هر کس حوس کرد که معروف بشود بکمالی که هیچ قالی درج در جرائد نیست بایک انشاء مضحک و خنکی می نویسد و میبورد و نهایت درجه اسرار دارد که چاپ بشود و اگر دیر صلاح ندانست نویسنده آن میبورد آمدنها درخارج منتقل افزا و هنای است

روزنامه باید حاوی اخبار مهمه و اطلاعات کافی از جریان امور اداری و اجتماعی مملکت باشد

مملکت تا بکلی فائد مرگ نکند اخبار است

دوسطری هم نرسیده اند الان که این سطور را می نویسم خبر وارد شد و اظهار کرد که وزارت مالیه اظهار داشته است ما گذشته از آنکه بشما اعلان نخواهیم داد مبنای هم نخواهیم داد چرا که برای آنکه در شایه سابق ما نوشتیم که معاون وزارت مالیه از ارباب جهید شش هزار تومان بشود گرفته و این مسائل همین ايام در عدلیه مطرح است اگر نخواهیم مصائب و درد های روزانه نویس را بنویسیم باید نام روزنامه ما را برای این کار وقت نمایم همین قدر میگویم روزنامه نویس مایه بخون دل است مخصوصاً برای من

نویسنده ن. ش. ش.

دارالشورای قی

جلسه ۲۴۳
خلاصه مذاکرات عصر سه شنبه ۲۲
حوت ۱۳۰۱ - ۲۵ رجب ۱۳۴۱ مجلس
بکاماعت اتم غروب در نعت ریاست آقای
دوین الملک تشکیل گردید صورت مجلس
بوم قبل قرائت و یادو فقره اصلاح تصویب شد
رئیس بودجه معارف از ماده ۲۵ مطرح است
فصل چهارم
ماده ۲۵ - اعتبارات و مصارف مبلغ ۱۲۹۰۰
تومان (تصویب شد)
فصل پنجم
ماده ۲۶ - صحبه مبلغ ۸۳۲۰۰ تومان

بشماره ولایات و ایالات و بنادر جاری
اظهار داشتند و عقیده شان این بود که صحبه ولایات
بی ترتیب و غیر نظم است و باید مثل صحبه
طهران تمام نقاط ککو جزو صحبه منظم داشته
باشد
وزیر معارف - اظهارات آقایان را
تایید نموده و قول دادند که در بودجه
سال آینده تمام نظریات آقایان اجرا
خواهد شد
ماده ۲۶ تصویب شد
ماده ۲۷ - مدرسه مذایه مستطرفه
مبلغ ۱۴۴۰۰ تومان
۲ تصویب شد
ماده ۲۸ - بودجه مدارس ابتدائی
ایالات و ولایات مصوبه مجلس شورای ملی
بودجه سابق مدارس ایالات و ولایات و اداره
معارف بعضی نقاط مبلغ ۱۸۴۴۰ تومان و مبلغ
۱۳۰۰۰۰ تومان هم از قرار نومان بکمال
و طرورای بکمران است که اهالی هر محل
کمکم بنمایند
آقای شیخ السلام اسفهان - عقیده
داشتند که دولت و مجلس ملی الامکان تکراری
و کوشش در ترقی صحبه و معارف و سایر
ادارات در ولایات بنمایند

آقای یور ونا - شرحی
از او ضاع راجع بنواقصات معارف
ولایات و بنادر اظهار داشتند و شرحی
بی ترتیبی مدارس بوشهر و شکایاتی
نکران از آن محل بخاطر شده است اظهار
داشتند که دولت و مجلس ملی الامکان تکراری
و کوشش در ترقی صحبه و معارف و سایر
ادارات در ولایات بنمایند

آقای یور ونا - شرحی
از او ضاع راجع بنواقصات معارف
ولایات و بنادر اظهار داشتند و شرحی
بی ترتیبی مدارس بوشهر و شکایاتی
نکران از آن محل بخاطر شده است اظهار
داشتند که دولت و مجلس ملی الامکان تکراری
و کوشش در ترقی صحبه و معارف و سایر
ادارات در ولایات بنمایند

و نقاشا نمودند که دولت بسر حدات نظر
فوری بنمایند و راجع بشکایات اهالی
بوشهر هم جواب صحبه فوری بدهند
مقرب جلسه برای نفس تعطیل و پس از ۳
رجع مجلس مجدداً تشکیل گردید
خیراز کهسیون بودجه مجلس شورای ملی
کسیون بودجه در جلسه ۱۹ برج حوت
نست اول لایحه ۳۸۳۴۸ دولت راجع
بجهول و هشت هزار تومان مخارج فوق الاماده
مشاران امریکائی را تحت شور مطالبه
فراز داده ماده واحده ذیل را برای تصویب
بمجلس شورای ملی پیشنهاد بنمایند
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز
است که بشرح ذیل مبلغ چهل و هشت
هزار تومان مخارج فوق الاماده مشاران
امریکائی را قادی و پرداخت نماید
۱ - برای خریداری کتابخانه دفتر و
منزل آقایان مشاران و کرایه منازل
آنها
ب - مخارج مسافرت از قزوین و بطهران ۱۰۰۰۰
ج - حقوق مترجمین و منشی و مستخدمین
حزه در اثر مشاری ۴۰۰۰ تومان
د - حقوق معاونین اداری در ظرف سه
ماه آخر سال ۴۰۰۰ تومان
و پس از توضیحات وزیر مالیه
از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۰
رای تصویب شد -
آقای داور - موافق عقیده داشتند
نظریات را آقایان بکمران برای
پیشنهاد آتی هیچ اثری
نمود نم صورت جزء بودجه ایالات
ولایات را بمجلس بیاورند تا از روی
بصیرت رای گرفته شود - پس از توضیحات
خودشان - پیشنهاد قابل توجه شد و ماده
۲۸ ماند تا صورت جزء طبع و توزیع شود
و باذقت رای گرفته شود
رئیس - رایورت کسیون بودجه راجع
به ۴۸۹ هزار تومان اعتبار مطرح است
(شرح ذیل قرائت شد)
رایورت کسیون بودجه راجع به خرج تحصیل
میرزا سید رضی خان کاظمی ۶ ساله درالمان
بمبلغ ۳۸۷ تومان - اخذ اراء بعمل آمده
از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۵۸
رای تصویب گردید
برحسب تقاضای شاهزاده شیخ الزهرا
وسلمان میرزا لایحه راجع به یکصد هزار تومان
اعتبار دوره پنجم فراغت و طرح از ۷۷ نفر
نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۶ رای تصویب
ردید
مجلس - ساعت نیم از شب ختم شد دستور فردا
لایحه قانون استخدام قضات عدلیه و کرد شهری

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خبریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکم) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین انطاولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق انکارانداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و بزرگوار آن فلك زندگان مرده
ولی بقدری قوت نداشته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

انتخاب
آقای میرزا میداده خان کرمانی
بر ریاست تقی و وزارت مالیه منصوب گردیدند
مخبر مخصوص ما اطلاع میدهد خبری
که این روزها مطرح و در شهر شهرت دارد
نکرافتی است که حجت الاسلام آقای حاجی
آقا حسین مجتهد از خراسان بمنشوان
حضرت آیه الله آقای حاجی شیخ محمد اکبریم
دامت برکاته نمودند و از قرار معلوم
مضمون نکرافت این است که انکاپ نهاد
مشهد مقدس مشغول بر سرداری املاک و
علاقه میباشند و این مسئله نافی شرع انور
میشود تقاضای اقدام و مساعدت در رفع
این مسئله از معظم له نموده اند
آقای آقای حاجی شیخ هنوز اقدام
و تصمیمی در این موضوع نرفته اند

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خبریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکم) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین انطاولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق انکارانداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و بزرگوار آن فلك زندگان مرده
ولی بقدری قوت نداشته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

شماره ۳۰ اینده نهضت
اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت
اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت
اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت
اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت
اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

مدحت اہالی ہمدان

در فصل حیرت آوری شکایت واه و اله از انجمن زارعین همدان در
مضارع نعدیات غیر قابل تحمل حکومت آبخا بایکسده اسناد کافی حاکی از
بانات فوق المعاده حکومت سر خود آبخا باداره رسیده که حقیقتاً
بانات گفت عملیات دوره استبداد و کیف مابشائی را داده داده و ما
واسطه ضیق صفحات از درج بین مکتوب و اسناد آنها خود داری
ورده و همین قدر دوات صالح رفت را تذکر میدهم بکه در اینموقع که تمام
مال ولایات و ایالات منتظرند که نسبت بانها عطف توجهی شده و دست
ورو نندی حکام حار را از سر آنها کرنا کرده و تمام امور آنها را بدست
مردمان صالح و عناصر بی آلاش بدست خوب است بشکایات آنها خانه
بد که اسباب سرزند امیدواری کرده و بگذشت زارع و زنجیر از این بدبختی
رها باشد

را جمع بمعاهد ازان در مجلس ملی آتیره
بگردد و اینجا بهر از بموقعین ؛ شهادتی
نقدیم کرده دفر بر این که هرگاه استقلال
مالی ، اقتصادی ، و اداری نمائی لاملا
نصیحتن شود دولت اجازه امضاء بمعاهد
خواهد داشت این پیشنهاد بعد از دادن
رای آئند بدولت بود ، با لآخره نصیحتن
گرفته شد که دولت اجازه دارد مطابق
رأی ذیل اقدامات کرده داد
— ۱ — ابقاء حق قضاوت فیسولها
۳ ناخبر انداختن حل قضایای اقتصادی و مالی
و همچنین اصول

جریده صدای اسلام شماره اولش دیروز منتشر شد او یکنده آن
 اسلوب و سبک معین را اتخاذ نموده است اگرچه از مندوبات آن چنین فهمیده
 شد که او یکنده صدای اسلام عقیده اش با عقیده نویسنده قرن بیستم تا اندازه متباین است
 معنایک ما اینام آزادی عقیده ان اوراق را احترام نموده و امیدواریم که تا میتوانند
 باانات این جریده را که منصب به اسلام و دیانت است جلوه دهند و مانند
 بعضی از جرائد نازیبا هر روزی خود را طر فدار یک رژیم معرفی نمایند
 قرن بیستم

اسب او طیغه پنجاه شصت رند از عملیات خود سرانه حکومت همدارا
برای ما انجمن زارعین فرستاده اند بنظر رئیس دوات خواهیم رساند و می
خواهیم کرد بلکه رئیس دوات اهالی همدان را در احت نمایند اگر پارتیهایش
نسل حامی و مرزا عبد الهاب بگذارند قرن بیستم

افاق عشق
مقاله خام و نامزد در شماره اسبق که از فرط تعصب خواسته بودند زن را
بلك كلات قشك و عمارت زيبا و آراسته اهميت دهند مطالعه شد و بنا بريند : عقیده
دارم كه زن بهترين عامل زندگانی بشر در كليه زحمات و مشقات . . .
الح اهميت زن در جامعهها فقط از اين نقطه نظر است كه : اول مربي و
معلم طفل است كي زن در كليه زحمات و مشقات شريك و سهم مرد است
زن يعني تبهاترين مخلوقات زن (بقول افاق عشق) يعني دشمن بشر زن يعني
سبب بدبختي مرد زن يعني باعث جهل معائب و جنابات و خيانت . . .
ما اگر رجوع بتاريخ و حكايات و رمانها بنمايم خواندم ديد سبب تمام جنابات
و خيانتات و معائب زن بوده و هست
خسرو پرويز را زن بگشاق داد قيس را زن همچون كرد و در بدر نمود واقف
را زن بان بابيات دچار كرد . . .
زن زن پرور ترين خلایق است و تمام عالم و مافياها را برای لذت اى و خوش
گذرانى خود مىجوید

۱- قبولی سایر موادی که جهت
افزایشه عثمانی پادشاه کرده
۵- الحاد غرامت از میان

خطاط از طرف توزیع کل جراید مرکزی
ممدیران جراید با کمال احترام و عرض می‌دارم از این تاریخ به بعد نظر
مکاتبت مشاغل و پیش آمد یک مسافرت غیر معلوم از جهة بنده و بنفید از
ن جرایدی که اسمایی درج شده از توزیع سایر جراید معذرت می‌خواهم
آقایانیکه شاگرد از برای انتشار جریده خودشان آورده اند از این تاریخ
روزمین بکلی از فروش روزنامه ایشان امتناع دارند هرگاه آن مدیران
مجدداً مایل باشند که روزنامه ایشان بتوسط توزیع منتشر شود باید
بازارت روززمین را تأدیه نمایند تا اینکه موزعین جراید آنها را از جهة فروش
ند و الا توزیع بدون استثناء از توزیع نمودن جراید ایشان معذرت
می‌رسانم که از این تاریخ منتشر میشود بقرار ذیل است .
و قاضی دار (تقدم) - باد - شفق - شماره ایرانی - ایران - ترجم آسای وسطی
آشاد - نصر - امید - زمین - وطن - کلشن - قانون - کل زرد -
نوبهار - شهاب - فق روشن - یکن - کار - مرد آزاد -
شش - حصار عدل - بامداد - قرن بیستم .
(محمد مصفا زاده)
دفتر توزیع کل جراید مرکزی

زن سادات هیچ نوع احساسات نیست. مگر برای اجناسی که مخصوص ائمه
وطنی کفرانی میدهد همیشه خودش سادر اطلسی و وطن فرانی . . . می
باشد ما اگر دقت کنیم خواهیم دید : اجناسی که از خارج وارد این مملکت
می شود روح آن مردانه نیست همایش سادر اطلسی و وطن فرانی یا چه می حریر و
آنکه و تور و روبان و اسباب نواک . . . و غیره . . .

کفرانی و مقاله نویسی ایشان یک ظاهر سازی و نورمالیته میباشد
خاتم رقت زاده باز می نویسد : بی مقدمه جوان من زن اس-اس-اس پایه نرقی
یک مملکتی بدیار می رود : و چرا ؟ ؟ زیرا آنکسی که بازحت . . . خلاصه
دنی آنکه نخستین مرهی غفل است خوب تمام محضات زن همین است و ما نیز در

از حمد اف

مقام منبع وزارت جلیه عنه ایہ کبیہ
ریات وزراء کبیہ مجلس شورای ملی کیہ
عصر انقلاب کیہ قرن بیستم آقای سیفی
عضو شعبہ ثنائی عدنان پیرمرد را جواب
زدم بقدریکہ تمام یاہای من بجرع شدہ باہای
مجروح بہ مدعی العموم نظام کردہ استہلہ
میخواہد آنہا را کہ در موقع زندن بودہ
اند رعیت ہا ہند کہ از دادشاہوت میترسند
آخر ای وکلای وزراء این است حکومت
مشرطہ این است آزادی این است عدالت
من پر مرد ہفتاد سالہ کجا بر دم بکہ
شکایت نام سلف افہ حیدری

اگر این واقعه محبت داشته باشد وزیر عدلیه
اگر واقعا وزیر عدلیه باشد باید همان معامله
را که آقا سیفی با این پسر مره کرده است
همان مسئله را با آقا سیفی بنماید
انقدر خواربازی انقدر انقلاب انقدر جهان
کندن این همه مشروطه بازی برای این بود
که کسی را محکم بخودش جوب نزد
اگر منظور باشد در مشرب کلاه سر عضو عدلیه
انقدر جوب زند داشته باشد بهتر این است
محمد علی شاه مخلوع را برای سلطنت دعوت
کنیم
فرمن پستیم

این ساختمان را که مدتی پیش افتاده من در آن جا گرفته است و يك طرز مكاله آزادی را نشان می دهد شاید برای دفعه اول مشاهده تر نباشد اما با مشاهده من از این حیث كه می تواند به غایت ها اختصاصی داشته باشد بهترین ساختمان ها است . برای همین اختصاصی همانطور كه سایر اقسام شعر هر کدام اسمی دارند اسم ساختمان خود را كه نامایش اسم كذاشته ام و جز این هم شاید اسم دیگری نبود .

اگر بعضی ساختمان ها مثلا ، منوی بوا ، طالع و معتمد خود در شرح يك سرگذشت و صمد يك موضوع نورانی و هائمی می دهد ، بنظراند روح و قاب تو با هم شربت خود هر كی كند این یکی چندین برابر آن - صاحب این نوع مزیت است .

بناقد را كجایش دارد كه هر چه در آن جا بدی از نومی بپذیرد ؛ وصف ، زمان ، تمیز ، مضحك ، هر چه بخواهی .

خوب هم از اشخاص مجلس تو بپذیرائی می كنند : آنها را و اینك دارد در يك یا چند مصرع یا یکی دو كلمه از روی اراده و طبیعت هر قدر بخواهند صحبت كنند و هر جا خواسته باشند سؤال و جواب خود را قطع كنند ، بدون اینكه مجازی و كم و سستی شعری آنها را بسطی در آورده باشد . در حقیقت در این ساختمان اشخاصی هستند كه صحبت می آید نه اینچه تكلفات شعری .

چیزی كه بیشتر مرا باین ساختمان تازه معقد کرده است همان

داشتم و الا ان از فراق او تا غش شده ام
دکتر خیلی خوب چون شب است تشخیص مرض شما را نمی توانم بدهم
الشا الله صبح تشریف بیاورید کاملاً مایه بکنم ولی مجباً این خواهش
دارم شما هم شاهد باشید که من اچیز کاملاً این بس را (مدا میزند آتیر
فرمان عالی بپایند جلو) تسج کردم
حاجی بعد از جلو آمدن اکبر و قربات عالی با نهایت تعجب به گدا
را نگاه کرده بگوشه ای و را بفل نمود ای وای غزال تو این جا حقیرا
لباسی سردا نه پوشیده است -
دکتر - حاجی چه میفرماید
حاجی - دخترم را که کم کرده بودم همین است (بجد د آ او را
بش میبکند)
قربان عالی - تا سلامی اخیر نامه را خوب فسخ کردم عجب خطائی
سکرم
شیفته خانم - وارد است شده بطور تعجبی به گدا را نگاه میکند
وای تو سرد بودی تو هم مثل من زل بودی
بچه گدا - دیدی خانم وقتی که می گفتم از من آنچه تو میخواهی بخواه
نه نیست حق داشتم و تو باور نمی کردی و من هم ای دامنم نیه زالی
تو حالی کنم
شیفته خانم - وای من دو ماه اشتباهی عاشق بودم
قربان عالی - بیارو ای تو هم عاشقی

